رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۱۰، شماره پیاپی ۷۹، دی ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(10), 2023

بررسی رابطه ساختاری سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی: نقش میانجی طرحواره‌های هیجانی

Investigating the structural relationship between attachment styles and childhood trauma with a tendency to extramarital relationships: The mediating role of emotional schemas

فاطمه انصاری کلاچاهی
کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
دکتر عباس صادقی (نویسنده مسئول)
دانشیار، گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
دکتر امیر قربان پور لفمجانی
استادیار، گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Fatemeh Ansari kolachahi
M.A. Family Counseling, Department of Educational sciences and Counseling, University of Guilan, Rasht, Iran.
Dr. Abbas Sadeghi*
Associate Professor, Department of Educational sciences and Counseling, University of Guilan, Rasht, Iran. asadeghi1394@gmail.com
Dr. Amir Qorbanpoor Lafmejani
Assistant Professor, Department of Educational sciences and Counseling, University of Guilan, Rasht, Iran.

چکیده
هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای طرحواره‌های هیجانی در رابطه سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه گیلان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بودند که از ۲۰۶۱ نفر، ۲۴۶ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس دلبستگی بزرگسالان تجدید نظر شده (RAAS، کولینز و رید، ۱۹۹۶)، پرسشنامه ترومای کودکی فرم کوتاه شده (CTQ، برنشتاین و همکاران، ۲۰۰۳)، مقیاس نگرش نسبت به روابط فرازناشویی (ATERS، واتلی، ۲۰۰۶) و مقیاس طرحواره‌های هیجانی (LESS، لیهی، ۲۰۰۲) بود. برای تحلیل داده‌ها از مدل‌یابی معادلات ساختاری در قالب تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج نشان داد که مدل پیشنهادی پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار بود نتایج بوت استرپ نیز نشان داد که مسیر غیرمستقیم سبک دلبستگی ایمن با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره‌های هیجانی انطباقی و غیرانطباقی معنادار بود (P<۰/۰۵). مسیر غیرمستقیم سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره‌های هیجانی انطباقی و غیرانطباقی معنادار بود (P<۰/۰۱). مسیر غیرمستقیم ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره‌های هیجانی انطباقی معنادار بود (P<۰/۰۵). از یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که طرحواره‌های هیجانی نقش واسطه‌ای را بین سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی ایفا می‌کند. لذا لزوم توجه به این عوامل در برنامه‌های پیشگیری و مشاوره‌ای ضروری است.

واژه‌های کلیدی: *سبک‌های دلبستگی، ترومای کودکی، روابط فرازناشویی، طرحواره‌های هیجانی.*

Abstract
The aim of this study was to investigate the mediating role of emotional schemas in the relationship between attachment styles and childhood trauma with a tendency to extramarital relationships. The research method was descriptive-correlational. The statistical population of the present study consisted of all married students of Guilan University in the academic year 1399-1400, which included 2061 people, and 246 of them entered the study by the available sampling method. Research instruments included the Revised Adult Attachment Scale (RAAS, Collins and Reid, 1996), abbreviated childhood trauma Questionnaire (CTQ, Bernstein et al, 2003), Attitudes Towards Extramarital Relationships Scale (ATERS, Watley, 2006), and Emotional Schemas Scale (LESS, Leahy, 2002). A structural equation modeling method in the form of path analysis was used for data analysis. The results showed that the proposed research model has a good fit. Bootstrap results also showed that the indirect path of secure attachment style with a tendency towards extramarital relationships through adaptive and maladaptive emotional schemas was significant (P<0/05). The indirect path of ambivalent-anxious attachment style with a tendency towards extramarital relationships through adaptive and maladaptive emotional schemas was significant (P<0/01). The indirect path of childhood trauma with a tendency towards extramarital relationships through adaptive emotional schemas was significant (P<0/05). From the above findings, it can be concluded that emotional schemas play a mediating role between attachment styles and childhood trauma with a tendency towards extramarital relationships, and it is necessary to pay attention to these factors in prevention and counseling programs.

Keywords: *Attachment Styles, Childhood Trauma, Extramarital Relationships, Emotional Schemas.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : تیر ۱۴۰۱** | **پذیرش: دی ۱۴۰۱** | **ویرایش نهایی: دی ۱۴۰۱**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.10.4.9]

مقدمه

دانشجویان یکی از مهم‌ترین اقشار جامعه هستند و بدون شک برنامه‌ریزی در جهت حفظ ارتقای سلامت جسمی و روانی آنان نقش مهمی در رشد و پویایی جامعه ایفا می‌کند. یکی از موضوعات مهم در خصوص دانشجویان، مسئله تشکیل خانواده است (فوربز و همکاران[۱]، ۲۰۲۰؛ نقل از صفری و همکاران، ۱۴۰۱). پایه و اساس تشکیل خانواده ازدواج است که سمبل موفقیت اجتماعی است و نقش مهمی در سلامت فرد ایفا می‌کند (رایمو و پارک[۲]، ۲۰۲۰). یکی از دلایل مهم از هم پاشیدن ازدواج‌ها، نقض تعهد و اعتماد در قالب روابط فرازناشویی[۳] است (ولنتو[۴]و همکاران، ۲۰۲۰). پاسخ به این سؤال که کدام رفتارها نشان‌گر روابط فرازناشویی است، بحث برانگیز است (اوزکال[۵]، ۲۰۲۰). روابط فرازناشویی می‌تواند از معاشقه تا آمیزش جنسی متفاوت باشد و معمولاً با دو شاخص عاطفی و جنسی (به طور همزمان یا به تنهایی) شناسایی می‌گردد (فیلیمون[۶]، ۲۰۲۱). تعیین شیوع روابط فرازناشویی دشوار است زیرا رویکرد غالب در اغلب کشورها به علت تابوهای فرهنگی تأکید بر عدم صحت و پنهان کاری است. در دهه‌های اخیر با مراجعه روزافزون مراجعان به مراکز مشاوره و نیز گزارش‌های دادگستری به عنوان یکی از دلایل طلاق، این پدیده در کشور رشد کرده است (عیسی‌پور هفتخوانی و همکاران، ۱۴۰۰). روابط فرازناشویی به اعتماد متقابل در همسران آسیب می‌زند و پیامدهای عاطفی، روان‌شناختی، رفتاری و جنسی گسترده‌ای دارد (فیلیمون، ۲۰۲۱). به همین دلیل با توجه به شیوع بالا و عواقب ناشی از آن لازم است عوامل مؤثر در گرایش به روابط فرازناشویی تعیین گردد.

روابط فرازناشویی رویدادی چند بعدی می‌باشد و عوامل متعددی می‌توانند در بروز آن دخالت داشته باشند که از جمله عوامل اثرگذار در پیدایی این پدیده سبک‌های دلبستگی[۷] است (بختیاری و همکاران، ۱۴۰۰). براساس نظریه دلبستگی بالبی[۸] (۱۹۷۳) کودکان در طول سال اول زندگی با مراقب خود، پیوند عاطفی عمیقی به نام دلبستگی را شکل می‌دهند. انتظارات کودک درباره حساسیت، دردسترس بودن و پاسخگو بودن مراقب اولیه، منجر به شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی متفاوتی می‌شود (فارسیجانی و همکاران، ۱۴۰۰). دلبستگی ایمن[۹] به تجربیات رابطه مثبت، دوستانه و حمایتی، دلبستگی اضطرابی[۱۰] به تجربیات دوسویه عشقی که در آن افراد تمایل به صمیمیت و در عین حال ترس از طرد شدن دارند و دلبستگی اجتنابی[۱۱] به تجربیات رابطه مبتنی بر بی‌اعتمادی و عدم وابستگی اشاره دارد (اوزتک-کازان و ارسلان[۱۲]، ۲۰۲۲). بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین سبک‌های دلبستگی با گرایش به روابط فرازناشویی رابطه معنادار وجود دارد (بختیاری و همکاران، ۱۴۰۰؛ نریمانی و ابراهیمی، ۱۳۹۹؛ وجدانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ اوزکال، ۲۰۲۰؛ آلتینوک و کلیس[۱۳]، ۲۰۲۰).

متون مربوط به خیانت، عوامل اثرگذار بر خیانت را شامل عوامل مربوط به فرد پیمان شکن، عوامل مربوط به فرد قربانی و عوامل رابطه‌ای می‌دانند (قهاری، ۱۳۹۵). از جمله عوامل مرتبط با فرد پیمان شکن که بر گرایش به روابط فرازناشویی اثرگذار است ترومای دوران کودکی[۱۴] است (عزیزپور و همکاران، ۲۰۲۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ترومای دوران کودکی منجر به ایجاد دلبستگی اجتنابی و اضطرابی در روابط زناشویی می‌شود و توانایی اعتماد و صمیمیت با همسر را مختل می‌کند و می‌تواند در گرایش به روابط فرازناشویی نقش داشته باشد (نگوزیچوکوکا[۱۵]، ۲۰۲۱). تروما به معنای آسیب[۱۶] است و به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که سلامت، بقا و رشد مطلوب کودک را به خطر بیندازد (تاسورن[۱۷]، ۲۰۲۲). ترومای کودکی در اشکال مختلف اتفاق می‌افتد که شامل سوءاستفاده جسمی، سوءاستفاده

1. Forbes, et all
2. Raymo & Park
3. Extramarital Relationships
4. Valentova
5. Ozkul
6. Filimon
7. Attachment Styles
8. Bawlby
9. Secure Attachment
10. Anxious Attachment
11. Aviodant Attachment
12. Ozteke-kozan & Arslan
13. Altinok & Kilic
14. Childhood Trauma
15. Nqozichukwuka
16. Arias
17. Tasoren

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.10.4.9]

جنسی، سوءاستفاده هیجانی، غفلت در تأمین نیازهایی چون امنیت، تغذیه و پوشاک و غفلت هیجانی (تأمین حمایت عاطفی و تربیتی) می‌باشد (تاسورن، ۲۰۲۲؛ هوگان[۱]، ۲۰۱۹). پژوهش گوبوت و همکاران،[۲] (۲۰۲۰) نشان می‌دهد افراد با سابقه ترومای دوران کودکی با احساس بی‌اعتمادی و ترس از رها شدن رشد می‌کنند و ممکن است در معرض مشکلات بین‌فردی بیشتری از جمله نارضایتی زناشویی و گرایش به روابط فرازناشویی قرار بگیرند. عزیزپور و همکاران (۱۳۹۹) و شاهی (۱۳۹۸) نیز نشان دادند که بین ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی رابطه معنادار وجود دارد.

روابط بین متغیرها همیشه خطی نیست و گاهی اوقات متغیرهای میانجی بین متغیرها ایفای نقش می‌کنند که بررسی آن‌ها در درک پدیده‌ها ضروری به نظر می‌رسد. از جمله متغیری که به نظر می‌رسد می‌تواند در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی نقش میانجی داشته باشد، طرحواره‌های هیجانی[۳] است (رضاپور میرصالح و همکاران، ۱۴۰۰) . پژوهش‌ها نشان می‌دهند که طرحواره‌های هیجانی همیشه خود را در جریان یک رابطه نشان می‌دهند و افرادی که طرحواره‌های هیجانی منفی زیادی دارند، به بروز واکنش شدید به موقعیت‌های تنش‌زا تمایل دارند و نسبت به دیگران بیش از حد حساسیت نشان می‌دهند که این خصیصه‌های منفی در دراز مدت می‌تواند منجر به نارضایتی، تعارضات زناشویی و گرایش به روابط فرازناشویی شود (پوراسماعیلی نجف‌آبادی و همکاران، ۲۰۲۱؛ زمانی‌زراچی و همکاران، ۱۳۹۷). طرحواره‌های هیجانی چارچوبی برای تفسیر احساسات ارائه می‌کنند و به دو دسته طرحواره‌های هیجانی انطباقی[۴] (طرحواره‌های تأیید طلبی، قابل درک بودن، ارزش‌های برتر، کنترل، ابراز هیجانی، توافق و پذیرش) و طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی[۵] (طرحواره‌های احساس گناه، دیدگاه ساده انگارانه، بی‌حسی هیجانی، خردگرایی، نشخوار ذهنی، تداوم و پذیرش) تقسیم می‌شوند (لیهی[۶]، ۲۰۱۹). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که برخی از طرحواره‌های منفی می‌توانند بر کیفیت رابطه زوجین و متعاقبا در گرایش به روابط فرازناشویی اثرگذار باشند (ملک‌عسگر و همکاران، ۱۳۹۹؛ جکسون و همکاران،[۷] ۲۰۱۴). از طرفی دیگر طرحواره‌های هیجانی در اثر قواعدی که در تعاملات با مظاهر دلبستگی اصلی وجود داشته، شکل می‌گیرند. طبق نظریه دلبستگی، کودکان در سن دو یا سه سالگی شروع به ایجاد طرحواره‌های هیجانی براساس شکل‌های دلبستگی خود می‌کنند (اوزتک-کازان وارسلان، ۲۰۲۲). در واقع می‌توان گفت که نوع رابطه با والدین تأثیرات مختلفی بر نحوه کنار آمدن با هیجانات و همچنین شکل‌دهی باورهای مربوط به هیجانات دارد. تجربیات منفی مرتبط با ترومای کودکی ممکن است منجر به ایجاد طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی و راهبردهای ناکارآمد در مقابله با هیجان شود (تاسورن، ۲۰۲۲). نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که بین سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های هیجانی رابطه معنادار وجود دارد (فارسیجانی و همکاران، ۱۴۰۰؛ شاهورانی و خرمایی، ۱۳۹۷؛ اورلایث[۸] ۲۰۱۹؛ ادواردز و وپرمن[۹]، ۲۰۱۹). همچنین پژوهش‌های فرخزادیان و همکاران (۱۳۹۸)، رضایی و همکاران (۱۳۹۷)، تاسورن (۲۰۲۲)، بوگ و همکاران[۱۰] (۲۰۱۹) نیز نشان دادند که بین ترومای دوران کودکی و طرحواره‌های هیجانی رابطه معنادار وجود دارد.

روابط فرازناشویی در نگاه اول پدیده فردی به نظر می‌رسد، اما با توجه به پیامدهای ناگوار آن که نهاد خانواده، تربیت فرزندان و نیز سلامت جامعه را دچار اختلال می‌کند، جزء آسیب‌های اجتماعی پنهان و بسیار جدی به شمار می‌رود. خیانت با طلاق (توتل و دیویس[۱۱]، ۲۰۱۵)و بی‌ثباتی ازدواج (کونروی[۱۲] و همکاران، ۲۰۱۸) رابطه دارد. همچنین خیانت تاثیراتی چون بی‌خوابی، فشار خون، اضطراب و استرس، مشکلات گوارشی، بی‌نظمی هورمونی، پیری زودرس و مشکلات قلبی بر فرد قربانی دارد (آسایش و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین خشم شدید، فقدان اعتماد، کاهش اعتماد به نفس شخصی و جنسی، کاهش عزت نفس و طرحواره رهاشدگی از دیگر آثار خیانت است

18. Hogan
19. Gobout
1. Emotional Schemas
2. Adaptive Emotional Schemas
3. Non-Adaptive Emotional Schemas
4. Leahy
5. Jackson
6. Orlaith
7. Edwards & Wupperman
8. Baugh
11 . Tuttle & Davis
12 . Conroy

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.10.4.9]

(هامر[1]، ۲۰۲۱). همچنین خیانت آثار جبران ناپذیری بر کودکان خانواده برجای می‌گذارد (نگاش و مورگان[2]، ۲۰۱۶). با توجه به تاثیر ویژگی‌های شخصیتی بر خیانت در دانشجویان متاهل (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶) و نقش کلیدی هیجانات (رضاپور میرصالح و همکاران، ۱۴۰۰) و تجارب آسیب‌زای دوران کودکی بر این پدیده در این قشر از جامعه (عزیزپور و همکاران، ۱۳۹۹) هر گونه مدل‌سازی در حوزه گرایش به روابط فرازناشویی جهت انسجام بخشی خانواده‌ها و پیشگیری از مشکلات و راهکارهایی برای سلامت زوجین به عنوان یک دغدغه علمی بسیار حائز اهمیت است. از این جهت هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای طرحواره‌های هیجانی در رابطه سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی بود.

روش

پژوهش حاضر از لحاظ روش توصیفی از نوع همبستگی است که در قالب مدل معادلات ساختاری انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه‌ی دانشجویان متأهل دانشگاه گیلان در نیمسال اول ۱۴۰۰-۱۳۹۹ است که تعدادشان ۲۰۶۱ نفر بود. با در نظر گرفتن تعداد ۱۰ شرکت‌کننده به ازای هر خرده مقیاس (۲۲ خرده مقیاس) و ۱۰ تا ۲۰ درصد افت و ریزش پرسشنامه‌ها، حجم نمونه حاضر محاسبه شد (کلاین[3]، ۲۰۰۵). بر این اساس ۲۴۶ نفر از دانشجویان متأهل دانشگاه گیلان به روش نمونه‌گیری دردسترس براساس ملاک‌های ورود (اشتغال به تحصیل در دانشگاه گیلان، متأهل بودن، رضایت آگاهانه، گذشت حداقل یک سال از مدت تأهل، عدم معلولیت جسمانی و عدم ابتلاء به بیماری‌های مزمن) و ملاک‌های خروج (ارائه اطلاعات ناقص و نامعتبر و انصراف از تکمیل پرسشنامه‌ها) وارد پژوهش شدند. از آنجا که این پژوهش در زمان شیوع کووید-۱۹ اجرا شد که تمامی دانشگاه‌ها به صورت غیرحضوری برگزار می‌شدند، در نتیجه پرسشنامه‌ها به صورت مجازی در کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی (تلگرام، واتساپ و اینستاگرام) مرتبط با دانشگاه گیلان بارگذاری شد. در این پژوهش اصول اخلاقی همچون دریافت رضایت آگاهانه به صورت آنلاین، شرح اهداف پژوهش و رازداری از اطلاعات فردی شرکت‌کنندگان به طور کامل رعایت شد. در نهایت برای تحلیل داده‌های پژوهش از نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۲۴ استفاده شد و جهت تحلیل روابط میانجی نیز از روش بوت استرپ در برنامه MACRO پریچر و هایز (۲۰۰۸) استفاده گردید.

ابزار سنجش

مقیاس دلبستگی بزرگسالان تجدید نظر شده[4] (RAAS): این مقیاس توسط کولینز و رید[5] (۱۹۹۶) طراحی شده و شامل ۱۸ گویه است که ۳ زیرمقیاس دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا را در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۱- کاملاً مخالف تا ۵- کاملاً موافق) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. حداقل نمره در هر زیرمقیاس ۰ و حداکثر نمره ۲۴ می‌باشد. نمره گذاری سؤالات ۶، ۵، ۸، ۱۶، ۱۷، ۱۸ به صورت معکوس انجام می‌شود. کسب نمره پایین در دلبستگی ایمن نشان دهنده نبود دلبستگی ایمن و نمره بالا نشان دهنده ایمن بودن دلبستگی است؛ کسب نمره پایین در دلبستگی اجتنابی و اضطرابی نشان دهنده دلبستگی اجتنابی و اضطرابی پایین و نمره بالا نشان دهنده دلبستگی اجتنابی و اضطرابی بالا است. کولینز و رید (۱۹۹۰) پایایی به روش آلفای کرونباخ را در زیرمقیاس دلبستگی ایمن ۰/۸۱، دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا ۰/۷۸ و دلبستگی اجتنابی ۰/۸۵ گزارش کردند و همبستگی این ابزار با پرسشنامه رفتار اجتماعی تگزاس[6] برای دلبستگی ایمن، اضطربی-دوسوگرا و اجتنابی برابر با ۰/۲۹، ۰/۳۰ و ۰/۲۲ به عنوان شاخصی از روایی همزمان گزارش کردند (بختیاری و همکاران، ۱۴۰۰). حسنوند و همکاران (۱۴۰۰) پایایی به روش آلفای کرونباخ را برای دلبستگی ایمن ۰/۸۷، دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا ۰/۷۷، برای دلبستگی اجتنابی ۰/۷۶ و برای کل مقیاس ۰/۸۴ گزارش کردند و روایی سازه این مقیاس به روش تحلیل عاملی تاییدی بر روی ۲۵۰ نفر از زنان انجام دادند؛ نتایج ۳ عامل دلبستگی ایمن، دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا و دلبستگی اجتنابی را تایید کردند. ناصری کریموند و اعظمی (۱۴۰۰) پایایی به روش آلفای کرونباخ را برای دلبستگی ایمن، اضطرابی-دوسوگرا و اجتنابی به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ و با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی شاخص‌های برازندگی مجذور کای هنجار شده ۱/۲۱، ریشه

1 .Hammer
2 . Negash & Morgan
1. Kline
2. Revised Adult Attachment Scale
3. Collins & Reed
4. Texas Social Behavior Inventory

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.10.4.9]

خطای میانگین مجذورات تقریب ۰/۰۳۷، برازش مقایسه‌ای ۰/۹۹۱ و تاکر-لوئیس ۰/۹۸۷ را به عنوان شاخصی از روایی سازه ابزار گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای دلبستگی ایمن ۰/۸۱، دلبستگی اجتنابی ۰/۸۴ و دلبستگی اضطرابی- دوسوگرا ۰/۷۹ برآورد شد.

پرسشنامه ترومای کودکی[1] فرم کوتاه شده (CTQ): این مقیاس توسط برنشتاین و همکاران[2](۲۰۰۳) جهت سنجش آسیب‌های کودکی طراحی شده است. شامل ۲۸ گویه است که ۵ زیرمقیاس سوءاستفاده جسمی، سوءاستفاده جنسی، سوءاستفاده هیجانی، غفلت جسمی و غفلت هیجانی را در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۱- هرگز تا ۵- همیشه) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. دامنه نمرات برای هر کدام از زیرمقیاس‌ها از ۵ تا ۲۵ و برای کل پرسشنامه ۲۵ تا ۱۲۵ می‌باشد. نمره‌گذاری سؤالات ۲، ۵، ۷، ۱۳، ۱۹، ۲۶، ۲۸ به صورت معکوس انجام می‌شود. نمرات بالاتر نشان دهنده ترومای بیشتر در کودکی است. برنشتاین و همکاران (۲۰۰۳) پایایی این ابزار را به دو روش بازآزمایی در فاصله ۲ ماهه و آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ و همبستگی بالای این ابزار با مصاحبه‌های بالینی بزرگسالان در مورد بدرفتاری کودکی برای زیرمقیاس‌های سوءاستفاده جسمی، سوءاستفاده هیجانی، سوءاستفاده جنسی، غفلت جسمی و غفلت هیجانی به ترتیب ۰/۲۷، ۰/۳۲، ۰/۷۲، ۰/۲۰ و ۰/۱۶ به عنوان شاخصی از روایی همگرا گزارش کردند (ذرراتی و همکاران، ۱۳۹۹). گروسی و نخعی (۲۰۰۹) پایایی به روش بازآزمایی در فاصله دو هفته و به روش همسانی درونی را به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۴ و روایی همگرای این ابزار با پرسشنامه سلامت عمومی[3] ۰/۴۰ گزارش کردند. سلیمانی و همکاران (۱۴۰۰) پایایی این ابزار را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ و با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی شاخص‌های برازندگی مجذور کای هنجار شده ۲/۵۸۸، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب ۰/۰۷۸ و برازش مقایسه‌ای۰/۹۲ را به عنوان شاخصی از روایی سازه ابزار گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ برآورد شد.

مقیاس نگرش نسبت به روابط فرازناشویی[4] (ATERS): این پرسشنامه توسط واتلی[5] (۲۰۰۶) جهت سنجش نوع احساسات و تفکر افراد نسبت به روابط فرازناشویی طراحی شده است. شامل ۱۲گویه است که هر سؤال را در یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (۱- بسیار مخالف تا ۷- بسیار موافق) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. دامنه نمرات بین ۱۲ تا ۸۴ می‌باشد. نمره‌گذاری سؤالات ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۲ به صورت معکوس انجام می‌شود. نمرات بالاتر نشان دهنده نگرش مثبت به روابط فرازناشویی است. واتلی (۲۰۰۶) پایایی را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و روایی با روش واگرا با استفاده از پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت ۰/۸۶ گزارش کرد. به گونه‌ای که روایی واگرا با جهت‌گیری مذهبی درونی، ۰/۲۹ و با جهت‌گیر مذهبی بیرونی ۰/۱۶ به دست آمد. (بختیاری و همکاران، ۱۴۰۰). فردوسی (۱۳۹۷) همسانی درونی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ و روایی با استفاده از ضریب توافق کندال ۰/۷۰ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ برآورد شد.

مقیاس طرحواره‌های هیجانی لیهی[6] (LESS): این مقیاس توسط لیهی (۲۰۰۲) طراحی شده است. فرم اصلی شامل ۵۰ گویه است که ۱۴ بعد طرحواره‌های هیجانی را در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۱- کاملاً مخالف تا ۵- کاملاً موافق) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. دامنه نمرات بین ۰ تا ۱۴۸ می‌باشد. علاوه بر نمره هر زیرمقیاس، دو نمره کلی یعنی طرحواره‌های انطباقی و غیرانطباقی نیز محاسبه می‌شود. نمرات بالاتر در هر زیرمقیاس نشان دهنده میزان بیشتر طرحواره‌های هیجانی آن زیرمقیاس است. لیهی (۲۰۰۲) پایایی این ابزار را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ نشان داد و روایی را با استفاده از تحلیل همبستگی گویه‌ها با یکدیگر و همبستگی با سیاهه‌های چند محوری بالینی میلون، اضطراب بک، افسردگی بک روی ۵۳ بیمار روان‌پزشکی مورد بررسی قرار داد. نتایج حاصل نشان داد که اکثریت ابعاد ۱۴گانه این مقیاس همبستگی‌های معناداری با اضطراب و افسردگی در سطح معناداری ۰/۰۵ >p دارد. نسخه فارسی این مقیاس توسط خانزاده و همکاران (۱۳۹۲) تهیه شده است؛ که از طریق تحلیل عامل اکتشافی این مقیاس و حذف ۲ طرحواره بی‌حسی هیجانی و تداوم و اضافه شدن یک طرحواره جدید تعداد گویه‌ها به ۳۷ گویه کاهش یافته است. پایایی نسخه فارسی به دو روش بازآزمایی در فاصله ۲ هفته و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۷۸ و ۰/۸۱ گزارش شد (امیری‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰). رضایی و همکاران (۱۳۹۷) پایایی این

5. Childhood Trauma Questionnaire
6. Bernstein
1. General Health Questionnaire
2. Attitude Toward Extramarital Relationships Scale
3. Watley
4. Leahy Emotional Schemas Scale

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.10.4.9]

ابزار را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و روایی همگرای این مقیاس را با مقیاس محرومیت هیجانی پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ[5] ۰/۴۳ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ برآورده شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر ۲۴۶ نفر از دانشجویان متأهل دانشگاه گیلان (۱۸۵ زن و ۶۱ مرد) مورد بررسی قرار گرفتند. میانگین سنی و طول مدت ازدواج آزمودنی‌ها به ترتیب برابر با ۵/۳۴ ± ۲۶/۶۰ و ۳/۷۹ ± ۳/۲۶ بود. مقطع تحصیلی ۴ نفر (۱/۶) از آزمودنی‌ها کاردانی، ۱۴۱ نفر (۵۷/۳) کارشناسی، ۹۷ نفر (۳۹/۴) ارشد و ۴ نفر (۱/۶) دکترا بود. ۱۷۴ نفر (۷۰/۷) بدون فرزند، ۵۱ نفر (۲۰/۷) یک فرزند، ۱۷ نفر (۶/۹) دو فرزند و ۴ نفر (۱/۶) دارای سه فرزند بودند. اکثریت آزمودنی‌های (۳۴/۶) درصد شغل آزاد داشتند و از لحاظ میزان درآمد، (۴۴/۷) بدون درآمد بودند.

جدول۱. ماتریس همبستگی و آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. سبک دلبستگی ایمن	۱						
۲. سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۲۵۶*	۱					
۳. سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا	-۰/۳۷۹**	۰/۲۰۸**	۱				
۴. ترومای دوران کودکی	-۰/۲۶۱**	۰/۲۳۵**	۰/۱۸۴**	۱			
۵. گرایش به روابط فرازناشویی	-۰/۲۱۷*	۰/۲۵۰**	۰/۰۸۷	۰/۴۸۷**	۱		
۶. طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی	-۰/۲۹۹**	۰/۲۹۶**	۰/۳۴۴**	۰/۱۱۳	۰/۴۵۵**	۱	
۷. طرحواره‌های هیجانی انطباقی	۰/۲۰۳**	-۰/۰۲۸	-۰/۳۲۶**	-۰/۱۷۱**	-۰/۳۵۴**	-۰/۵۷۶**	۱
میانگین	۱۲/۷۷	۱۲/۶۲	۹/۳۹	۳۸/۸۰	۲۵/۹۵	۳۴/۸۷	۳۷/۷۲
انحراف معیار	۲/۷۱	۲/۱۶	۵/۰۵	۸/۹۵	۸/۸۰	۶/۶۶	۷/۳۲
کجی	-۰/۱۵۹	۰/۳۲۵	۰/۱۷۷	۱/۰۸	۰/۷۴	-۰/۲۸	۰/۴۴
کشیدگی	۰/۰۶	۰/۹۴	-۰/۴۷	۲/۹۵	۱/۰۱	۰/۳۳	۰/۲۰

*P<0/05, **P<0/01

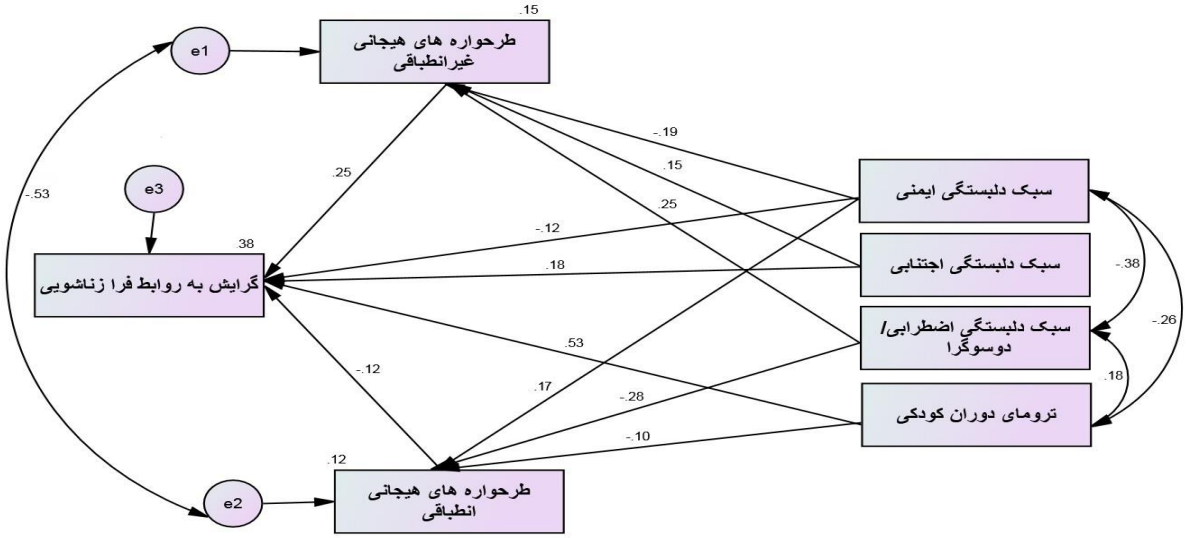
نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، کلیه همبستگی بین متغیرهای پژوهش به جزء سبک دلبستگی اجتنابی با طرحواره‌های هیجانی انطباقی، سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا با گرایش به روابط فرازناشویی و ترومای دوران کودکی با طرحواره‌های هیجانی غیر انطباقی در سطح $p < ۰/۰۵$ معنی‌دار است. پیش از تحلیل داده‌ها، پیش فرض‌های این روش مورد بررسی قرار گرفت. عدم وجود داده‌های پرت، از طریق شاخص d^2 ماهالانوبیس، مورد بررسی قرار گرفت و سطوح معناداری کمتر از ۰/۰۵ حاکی از دور افتاده بودن داده‌های پرت مورد نظر است. برای بررسی نرمالیتی چند متغیری از ضریب کشیدگی استاندارد شده مردیا[1] استفاده شده است. این عدد در پژوهش حاضر ۴/۸۲۷ به دست آمده که کمتر از عدد ۶۳ می‌باشد. عدد مذکور از طریق فرمول $p(p+2)$ محاسبه شده است. (تعداد متغیرها=p). در ادامه از الگویابی معادلات ساختاری در قالب تحلیل مسیر مبتنی بر روش کوواریانس استفاده شد و پارامترهای مدل به روش بیشینه درستنمایی برآورد شدند.

5. Young Early Maladaptive Schemas

1. Mardias Normalized Multivariate Kurtosis Value

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.10.4.9]



شکل ۱. ضرایب استاندارد مدل نهایی رابطه سبک‌های دلبستگی و ترومای کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی با نقش میانجی طرحواره‌های هیجانی

شکل ۱ مدل بررسی روابط بین متغیرها را نشان می‌دهد. در این مدل متغیرهای سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی متغیر برونزا بوده و نقش مستقیم آنها بر طرحواره‌های هیجانی و گرایش به روابط فرازناشویی و نقش غیر مستقیم آنها بر گرایش به روابط فرازناشویی مورد بررسی قرار گرفت. نقش مستقیم طرحواره‌های هیجانی بر گرایش به روابط فرازناشویی نیز در مدل ارائه شده است.

در جدول ۲ اطلاعات مربوط به ضرایب استاندارد و غیراستاندارد کلیه مسیرها در مدل نهایی پژوهش ارائه شده است.

جدول۲. ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مسیرهای مدل نهایی

مسیر	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معنی‌داری (P)
سبک دلبستگی ایمن---> گرایش به روابط فرازناشویی	-۰/۴۱۴	-۰/۱۱۸	۰/۱۴۵	-۲/۸۵۹	۰/۰۳۱
سبک دلبستگی ایمن ---> طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی	-۰/۳۹۸	-۰/۱۸۸	۰/۱۱۵	-۳/۴۵۶	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی ایمن ---> طرحواره‌های هیجانی انطباقی	۰/۴۳۳	۰/۱۶۸	۰/۱۳۴	۳/۲۳۶	۰/۰۰۲
سبک دلبستگی اجتنابی---> گرایش به روابط فرازناشویی	۰/۴۰۲	۰/۱۷۸	۰/۱۱۹	۳/۳۸۲	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اجتنابی ---> طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی	۰/۴۲۰	۰/۱۴۷	۰/۱۳۹	۳/۰۲۵	۰/۰۰۷
سبک دلبستگی اجتنابی ---> طرحواره‌های هیجانی انطباقی	-۰/۱۹۶	-۰/۰۵۹	۰/۲۰۲	-۰/۹۷۴	۰/۳۳۰
سبک دلبستگی اضطرابی -دوسوگرا---> گرایش به روابط فرازناشویی	۰/۱۵۸	۰/۰۸۹	۰/۱۰۳	۱/۵۳۵	۰/۱۲۵
سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا ---> طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی	۰/۳۷۰	۰/۲۴۴	۰/۰۷۸	۴/۷۵۴	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا ---> طرحواره‌های هیجانی انطباقی	-۰/۴۱۱	-۰/۲۷۵	۰/۰۸۳	-۴/۹۵۸	<۰/۰۰۱
ترومای دوران کودکی---> گرایش به روابط فرازناشویی	۰/۲۲۰	۰/۵۲۷	۰/۰۴۱	۵/۳۸۷	<۰/۰۰۱
ترومای دوران کودکی ---> طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی	۰/۰۱۴	۰/۰۷۴	۰/۲۵۴	۰/۰۵۷	۰/۹۵۹
ترومای دوران کودکی ---> طرحواره‌های هیجانی انطباقی	-۰/۳۱۱	-۰/۱۰۰	۰/۱۵۴	-۲/۰۲۱	۰/۰۴۶

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.10.4.9]

طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی ---> گرایش به روابط فرازناشویی	۰/۵۵۷	۰/۲۴۹	۰/۱۱۲	۴/۹۷۸	<۰/۰۰۱
طرحواره‌های هیجانی انطباقی ---> گرایش به روابط فرازناشویی	-۰/۳۰۶	-۰/۱۲۰	۰/۱۲۵	-۲/۴۵۲	۰/۰۱۲

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ضرایب استاندارد کلیه مسیرها (به جزء مسیرهای سبک دلبستگی اجتنابی به طرحواره‌های هیجانی انطباقی، سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا به گرایش به روابط فرازناشویی و ترومای دوران کودکی به طرحواره‌های هیجانی انطباقی) با توجه به مقدار نسبت بحرانی بالاتر از ۱/۹۶ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار هستند. در جدول ۳ اطلاعات مربوط به نتایج آزمون بوت استرپ برای مسیرهای غیر مستقیم ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج بوت استرپ برای مسیرهای غیرمستقیم مدل نهایی

مسیر	شاخص						سطح معنی-داری
	داده	بوت	سوگیری	خطا	حد پایین	حد بالا	
سبک دلبستگی ایمن با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی غیرانطباقی	-۰/۲۴۱۸	-۰/۲۴۱۶	۰/۰۰۰۲	۰/۰۲۳۴	-۰/۳۵۴۲	-۰/۱۰۵۱	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی ایمن با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی انطباقی	-۰/۱۶۵۱	-۰/۱۶۵۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۳۳۸	-۰/۲۳۶۲	-۰/۰۰۵۸	۰/۰۳۵
سبک دلبستگی اجتنابی با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی غیرانطباقی	۰/۱۰۴۳	۰/۱۰۴۷	۰/۰۰۰۴	۰/۰۳۲۷	-۰/۲۲۱۴	۰/۰۱۵۴	۰/۲۱۹
سبک دلبستگی اجتنابی با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی انطباقی	-۰/۰۲۱۰	-۰/۰۲۰۵	۰/۰۰۰۵	۰/۰۴۲۷	-۰/۰۴۴۱	۰/۱۲۸۱	۰/۷۵۹
سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی غیرانطباقی	۰/۳۵۱۹	۰/۳۵۲۱	۰/۰۰۰۲	۰/۰۳۲۰	۰/۲۹۱۰	۰/۴۳۰۹	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی انطباقی	۰/۲۰۴۱	۰/۲۰۴۳	۰/۰۰۰۲	۰/۰۷۹۱	۰/۱۱۲۵	۰/۳۱۷۳	۰/۰۰۷
ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی غیرانطباقی	۰/۰۰۶۲	۰/۰۰۶۵	۰/۰۰۰۳	۰/۰۱۲۴	-۰/۰۳۷۲	۰/۰۱۳۶	۰/۸۴۹
ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی انطباقی	۰/۱۱۱۷	۰/۱۱۱۸	۰/۰۰۰۱	۰/۰۱۳۱	۰/۰۰۴۹	۰/۲۰۷۴	۰/۰۴۶

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که کلیه مسیرهای غیرمستقیم (به جزء سبک دلبستگی اجتنابی با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره‌های هیجانی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره‌های هیجانی انطباقی) با توجه به سطح اطمینان ۹۵٪ و در برنگرفتن عدد صفر در فاصله حد پایین تا حد بالا معنی‌دار است. در جدول شماره ۴ شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی و نهایی ارائه شده است.

جدول۴. شاخص‌های برازندگی برای الگوی تدوین شده

شاخص‌های برازش	χ^2	*df*	χ^2/df	RMSEA	PNFI	CFI	PCFI	IFI	GFI
دامنه پذیرش			۳<	۰/۰۸<	۰/۵	۰/۹>	۰/۵>	۰/۹>	۰/۹>
مقادیر بدست آمده	۱۷/۳۸۳	۶	۲/۸۹۷	۰/۰۷۴	۰/۵۷۰	۰/۹۶۰	۰/۵۷۴	۰/۹۶۲	۰/۹۸۱

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.10.4.9]

برای برآورد مدل ساختاری از روش بیشینه درست‌نمایی استفاده شد. در این مدل شاخص‌های برازندگی ریشه واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر ۰/۰۷۴، شاخص برازندگی مقایسه‌ای (CFI) برابر ۰/۹۶۰، شاخص برازش ایجاز (PNFI) برابر ۰/۵۷۰، شاخص برازش مقایسه‌ای پارسیمونس (PCFI) برابر ۰/۵۷۴، شاخص برازش افزایش (IFI) برابر ۰/۹۶۲، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر ۰/۹۸۱ بدست آمد. هم‌چنین شواهد حاکی از آن است که مقدار حی‌دو در این تحلیل ۱۷/۳۸۳ بدست آمد و درجه آزادی ۶ بوده که در نتیجه میزان χ^2/df=۲/۸۹۷ بدست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای طرحواره‌های هیجانی در رابطه سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی بود. نتایج نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی ایمن به صورت منفی و معنادار و سبک‌های دلبستگی اجتنابی به صورت مثبت و معنادار با گرایش به روابط فرازناشویی رابطه وجود دارد. این یافته به طور کلی با نتایج پژوهش‌های بختیاری و همکاران (۱۴۰۰)، نریمانی و ابراهیمی (۱۳۹۹)، وجدانی و همکاران (۱۳۹۹)، اوزکال (۲۰۲۰) و آلتینوک و کلیس (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که روابط فرازناشویی حکایت از مشکلات زیرساختی تربیتی دارد و ایجاد دلبستگی ایمن از سوی والدین یکی از راهکارهای اصلی برای کاهش گرایش افراد به روابط فرازناشویی است؛ زیرا این افراد در روابط زناشویی خود احساس راحتی و اطمینان می‌کنند. اوزکال (۲۰۲۰) دریافت که احتمال گرایش به روابط فرازناشویی در افراد با دلبستگی ایمن کمتر است؛ زیرا به دلیل تعهد زیاد در روابط، این افراد رابطه جنسی را یک عمل انحصاری می‌دانند که فقط باید با همسر انجام شود. اما افراد با سبک دلبستگی اجتنابی نیازی به روابط نزدیک ندارند و نسبت به از بین رفتن رابطه زناشویی نگرانی کمتری دارند. شاکوتیچ و همکاران[1] (۲۰۲۲) و هوگان (۲۰۱۹) نیز نشان دادند که افراد با دلبستگی اجتنابی در مقایسه با افراد با دلبستگی اضطرابی، در حل تعارضات زناشویی ناکارآمدترند؛ زیرا در موقعیت‌های اضطراب‌زا از مکانیزم‌های ناپخته‌تری همچون روابط فرازناشویی برای رفع اضطراب استفاده می‌کنند.

یافته‌ی دیگر نشان داد که بین ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های عزیزپور و همکاران (۱۳۹۹)، شاهی (۱۳۹۸)، نگوزیچکوکا (۲۰۲۱) و گوبوت و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین محیط‌ها برای یک فرد، محیط دوره کودکی است و زمانی که افراد ترومای کودکی را تجربه می‌کنند به احتمال زیاد گرایش فرد به شکل اجتناب از دلبستگی عاطفی دیده می‌شود و اجتناب از صمیمیت جزء جدایی‌ناپذیر افراد درگیر در روابط فرازناشویی است. نگوزیچوکوکا (۲۰۲۱) نشان داد که ترومای کودکی منجر به ایجاد دلبستگی اجتنابی در روابط زناشویی می‌شود و در توانایی اعتماد و صمیمیت با همسر تداخل ایجاد می‌کند و موجب شکل‌گیری محرومیت هیجانی می‌شود (گوبوت و همکاران، ۲۰۲۰). عزیزپور و همکاران (۱۳۹۹) نیز نشان دادند افرادی که روابط فرازناشویی داشته‌اند در دوران کودکی ترومای عاطفی جدی از جمله محرومیت، درماندگی و گسستگی هیجانی را تجربه کرده‌اند.

همچنین یافته‌ی دیگر پژوهش نشان داد که طرحواره‌های هیجانی انطباقی و غیرانطباقی در رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی ایمن و اضطرابی-دوسوگرا با گرایش به روابط فرازناشویی نقش میانجی دارد. این یافته‌ی پژوهش به طور کلی با نتایج یافته‌های فارسیجانی و همکاران (۱۴۰۰)، ملک‌عسگر و همکاران (۱۳۹۹)، شاهورانی و خرمایی (۱۳۹۷)، پوراسماعیلی و همکاران (۲۰۲۱)، اورلایث (۲۰۱۹)، ادواردز و وپرمن (۲۰۱۹) و جکسون و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. به منظور تبیین این یافته پژوهش می‌توان به تأثیرپذیری طرحواره‌های هیجانی افراد از سبک‌های دلبستگی ایشان و اثرگذاری طرحواره‌های هیجانی آنان بر گرایش به روابط فرازناشویی اشاره نمود. در واقع سبک دلبستگی نه تنها بر روابط شکل گرفته در زندگی بزرگسالی، بلکه بر تنظیم هیجان در روابط نیز تأثیر می‌گذارد. زیرا نوع رابطه با والدین بر نحوه کنار آمدن کودک با هیجانات و شکل‌دهی باورهای مربوط به هیجانات تاثیر دارد و عدم پاسخگویی والدین به نیازهای عاطفی کودک، منجر به عدم پذیرش هیجان و سرزنش خود می‌شود (تاسورن، ۲۰۲۲). فاریسجانی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند سبک دلبستگی ایمن، روش‌های مؤثر تنظیم هیجان در قالب طرحواره‌های هیجانی انطباقی را رشد می‌دهد؛ و سبک‌های دلبستگی ناایمن، روش‌های نامناسب تنظیم هیجان یعنی طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی را رشد می‌دهند. از طرفی چون افراد دارای طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی تمایل

1. Sakotic, et all

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.10.4.9]

بیشتری به خود سرزنش‌گری، احساس گناه و عدم پذیرش هیجان دارند و به هنگام تنش در روابط زوجی قادر نیستند از آن هیجان عبور کرده؛ باعث می‌شود مشکلات بین‌فردی بیشتری چون تعارضات زناشویی و گرایش به روابط فرازناشویی داشته باشند. اما افراد دارای طرحواره‌های هیجانی انطباقی از هیجانات خود باخبر هستند، باورهای قابل کنترل دارند و در زمانی که تعارض‌های بین‌فردی افزایش می‌یابد به علت داشتن طرحواره ارزش‌های والاتر، با سنجش آسیب‌های روابط فرازناشویی، گرایش کمتری به روابط فرازناشویی دارند. امیری‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند زمانی‌که والدین به فرزند نشان دهند که او را دوست داشته و می‌پذیرند، فرزند نیز قادر است خود و احساساتش را بپذیرد. این پذیرش تا بزرگسالی ادامه می‌یابد و هنگامی که فرد در رابطه با همسرش دچار هیجانات منفی می‌شود، می‌تواند با استفاده از راهبردهای مناسب تنظیم هیجان از بروز پاسخ‌های مخرب به هیجانات جلوگیری کرده و مانع بروز تعارضات زناشویی و گرایش به روابط فرازناشویی شود.

آخرین یافته‌ی پژوهش نیز نشان داد که طرحواره‌های هیجانی انطباقی در رابطه‌ی بین ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی نقش میانجی دارد. این یافته‌ی پژوهش به طور کلی با نتایج یافته‌های تاسورن (۲۰۲۲)، بوگ و همکاران (۲۰۱۹)، جکسون و همکاران (۲۰۱۴)، ملک‌عسگر و همکاران (۱۳۹۹)، رضایی و همکاران (۱۳۹۷) و زمانی‌زراچی و همکاران (۱۳۹۷) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که ترومای کودکی در شکل‌گیری تعدادی از طرحواره‌های هیجانی مؤثر بوده و از طرفی این طرحواره‌های هیجانی شکل گرفته بر گرایش به روابط فرازناشویی نیز تأثیرگذارند. به عبارت دیگر طرحواره‌های هیجانی نقش عمده‌ای در تفکر، احساس و نحوه‌ی برقراری ارتباط افراد با دیگران بازی می‌کنند و به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، زندگی بزرگسالی را به شرایط ناگوار دوران کودکی می‌کشانند. الگوی طرحواره هیجانی، در رابطه با علت ایجاد طرحواره، بر اهمیت تجربه‌های تربیت هیجانی در خانواده تأکید می‌کند و محیط‌های آسیب‌زا را در ایجاد باورها درباره هیجان مؤثر می‌داند؛ زیرا افراد با سابقه ترومای کودکی در روابط خود با والدین به این باور رسیده‌اند که برخی هیجانات بد است و باید از آن‌ها اجتناب کرد (تاسورن، ۲۰۲۲). بوگ و همکاران (۲۰۱۹) و رضایی و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که شکل‌گیری باورهای منفی درباره هیجان و بی‌نظمی هیجانی از پیامدهای رشد فرد در محیط‌های تربیتی آسیب‌زا محسوب می‌شود. بنابراین وقتی فرد در کودکی تحت تروماها قرار می‌گیرد و هیجان شدیدی به فرد وارد می‌شود، در تعدیل واکنش‌های هیجانی و توانایی جدا شدن از محتوای هیجانی منفی مشکل بیشتری نشان می‌دهد و از راهبردهای تنظیم هیجانی ناکارآمد و طرحواره‌های هیجانی منفی استفاده می‌کند. در واقع، تروما که در نتیجه آسیب بین‌فردی ایجاد می‌شود، می‌تواند آسیب‌پذیری هیجانی را به دنبال داشته باشد زیرا احساس نقص، شرم و خیانت در فرد مبتلا وجود دارد. چنین احساساتی ممکن است بی‌اعتمادی به افراد مهم زندگی را در دوران بزرگسالی منجر شوند و احتمالاً این موضوع نیز می‌تواند پایه گرایش به روابط فرازناشویی باشد.

همان‌طور که اشاره شد، اولین نهاد مهم و اثرگذار که فرد در آن رشد می‌یابد، خانواده‌ی اوست. منبع اصلی شکل‌گیری طرحواره‌های هیجانی افراد، در خانواده ایشان و تجارب اولیه آنان در دوران کودکی نهفته است؛ افراد دارای طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی در دوران اولیه کودکی روابط عاطفی نامناسبی را با والدین خود تجربه کرده‌اند که منجر به شکل‌گیری باورهای ارزیابی‌گرایانه در مورد خود و دیگران می‌شود و چون وجود این طرحواره‌های منفی اجازه تجربه روابط صمیمانه و مبتنی بر عشق حقیقی در چارچوب ازدواج را به آن‌ها نمی‌دهد؛ لذا گرایش به روابط فرازناشویی در آن‌ها بالاتر می‌رود. بنابراین با تقویت طرحواره‌های هیجانی انطباقی در دانشجویان متأهل، می‌توان رابطه سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی را تحت تأثیر قرار داد.

هر پژوهشی در بطن خود محدودیت‌های دارد. این پژوهش در همه‌گیری کووید-۱۹ انجام شده است که به دلیل وجود شرایط خاص، امکان دیدار چهره به چهره با نمونه ها جهت توجیه شرایط و الزامات پژوهش وجود نداشت. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری دردسترس به صورت آنلاین استفاده شده است؛ که می‌بایست در تعمیم نتایج به این محدودیت‌ها توجه گردد. همچنین پژوهش روی دانشجویان متأهل دانشگاه گیلان انجام گرفت و نمونه‌های مورد نظر از نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی چون طول مدت ازدواج و تعداد فرزند تفاوت داشتند؛ لذا پیشنهاد می‌شود روی جامعه پژوهشی دیگر تکرار شود و نقش این متغیرها با دقت بیشتری در میزان گرایش به روابط فرازناشویی افراد مورد بررسی قرار گیرد. همچنین در حیطه کاربردی با توجه به نقشی که سبک‌های دلبستگی، ترومای دوران کودکی و طرحواره‌های هیجانی در گرایش به روابط فرازناشویی دارند، پیشنهاد می‌شود که مشاوران مراکز مشاوره دانشگاهی با تشکیل کارگاه‌های آموزشی به آگاهی‌بخشی و تقویت سازه‌های شخصی مرتبط که فرد را از گرایش به روابط فرازناشویی مصون می‌دارد، مبادرت نمایند.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.10.4.9]

منابع

امیری‌نژاد، م.، صادقی، م.، و پناغی، ل. (۱۴۰۰). نقش میانجی طرحواره‌های هیجانی در رابطه بین پیوند والدینی و صمیمیت زناشویی. فصلنامه خانواده پژوهی، ۱۷(۶۶)، ۲۰۹-۲۴۱. https://dx.doi.org/10.52547/jfr.17.2.209

بختیاری، ا.، حسینی، س.، عارفی، م.، و افشاری‌نیا، ک. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به خیانت زناشویی. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره انجمن مشاوره ایران*، ۲۰(۷۷)، ۱۴۰-۱۲۲.http://doi.org/10.18502/qjcr.v20i77.6144

حسنوند، ص.، کربلایی محمد میگونی، ا.، و رضابخش، ح. (۱۴۰۰). پیش‌بینی افکار پارانوئید براساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری اجتناب تجربی در زنان مبتلا به افسردگی پس از زایمان. *مدیریت ارتقای سلامت*، ۱۰(۴)، ۱۳۵-۱۲۳. http://jhpm.ir/article-1-1261-fa.html

ذرراتی، ا.، برماس، ح.، و ثابت، م. (۱۳۹۹). همبستگی ترومای کودکی و ایده پردازی خودکشی با میانجیگری درد روانی و روابط موضوعی. *نشریه مدیریت ارتقای سلامت*، ۹(۳)، ۴۸-۳۴. http://jhpm.ir/article-1-1143-fa.html

رضایی، م.، صالحی، ج.، و احمدی، س. (۱۳۹۷). رابطه بین غفلت ادراک شده کودکی و نشانه‌های افسردگی: بررسی نقش واسطه‌ای طرحواره‌های هیجانی. *روان‌شناسی بالینی*، ۱۰(۳)، ۱۱۲-۱۰۱. http://doi.org/10.22075/JCP.2019.11883.1171

رضاپور میرصالح, یاسر, شفیع زاده, رویا, & امین, فرزانه. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش تلفیقی هیجان‌محور و بخشودگی بر میزان همبستگی خانوادگی و گرایش به طلاق در بین زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده, ۱۶(۵۶), ۱۹۳-۲۲۰. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_206981.html

زمانی‌زراچی، م.، صمدی‌کاشانی، س.، و قاسم‌زاده، س. (۱۳۹۷). مقایسه طرحواره‌های هیجانی و خود سرکوبگری در زنان متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق. *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۶(۲)، ۱۵۸-۱۴۷. https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=536791

سلیمانی، ع.، لشکری، آ.، و ترابی، ی. (۱۴۰۰). ارتباط تروما و بهزیستی روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای ترس از شادی و ناگویی خلقی. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۹(۱)، ۱۲۷-۱۱۶. http://20.1001.1.17352029.1400.19.1.13.0

شاهورانی، س.م.، و خرمایی، ف. (۱۳۹۷). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس طرحواره‌های هیجانی. *رویش روان‌شناسی*، ۷(۸)، ۷۷۴-۷۶۶. http://doi.org/20.1001.1.2383353.1397.7.8.2.5

شاهی،م.ر. (۱۳۹۸). *پیش‌بینی پیمان‌شکنی براساس ذهنیت‌های طرحواره‌ای، تجربه کودک‌آزاری و راهبردهای تنظیم هیجان در زنان پیمان‌شکن و غیر پیمان‌شکن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اردکان. https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/d85c03d08b9bd3d5ab508ac1f49caa2c

صفری، م.، رضاخانی، س.، و دوکانه‌ای فرد، ف. (۱۴۰۱). نقش واسطه‌ای بخشودگی بین‌فردی در رابطه بین تمایز یافتگی و شایستگی اجتماعی دانشجویان. *رویش روان‌شناسی*، ۱۱(۳)، ۶۸-۶۰. https://20.1001.1.2383353.1401.11.3.6.7

فارسیجانی، ن.، پورشهریار، ح.، ملحی، ا.، و رضواندل‌رمزی، ف. (۱۴۰۰). مدل معادلات ساختاری رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پریشانی روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای طرحواره‌های هیجانی. *رویش روان‌شناسی*، ۱۰(۴)، ۷۶-۶۶. http://doi.org/20.1001.1.2383353.1400.10.4.19.5

فرخزادیان، ع.ا.، رضایی، ف.، و صادقی، م. (۱۳۹۸). نقش میانجی طرحواره‌های هیجانی در رابطه‌ی بین آسیب‌های دوران کودکی با اختلال اضطراب فراگیر. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۷(۲)، ۱۰۱-۸۹. http://doi.org/10.22070/CPAP.2020.2910

قهاری، ش (۱۳۹۵). پیمان شکنی در زناشویی. تهران: نشر دانژه.

کریمی، س.؛ یوسفی، ر؛ سلیمانی، م .(۱۳۹۶). نقش صفات بنیادی شخصیت در پیش بینی مولفه های خیانت زناشویی از دیدگاه دانشجویان. روانشناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)، ۱۵(۲)، ۹۷-۱۰۹.https://www.sid.ir/paper/208712/fa#downloadbottom .

فردوسی، س. (۱۳۹۷). پیش‌بینی نگرش به خیانت براساس رفتار دلبستگی در روابط زناشویی، کیفیت روابط زناشویی و سبک‌های دلبستگی در زنان متأهل. دوفصلنامه روان‌شناسی معاصر، ۱۳(۲)، ۱۵۷-۱۴۹. http://dx.doi.org/10.29252/bjcp.13.2.149

عزیزپور، ص.، رضاپورمیرصالح، ی.، و متقی، ش. (۱۳۹۹). بررسی ابعاد هیجانی و روان‌شناختی آسیب‌های دوران کودکی در مردان و زنان دارای پیشینه خیانت زناشویی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱۰(۲)، ۳۶۰-۳۲۹. http://doi.org/20.1001.1.22516654.1399.10.2.11.4

عیسی‌پور هفتخوانی، م.، دوستی، ی.، و دنیوی، ر. (۱۴۰۰). نقش میانجی روان‌رنجوری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه با روابط فرازناشویی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز جهت طلاق. مجله مطالعات ناتوانی، ۴۴(۱۱)، ۷-۱. http://doi.org/10.29252/mejds.0.0.13

ملک‌عسگر، س.، مظاهری، م.ع.، فتی، ل.، موتابی، ف.، و حیدری، م. (۱۳۹۹). دیدگاه طرحواره درمانگران نسبت به نقش مؤلفه‌های طرحواره‌ای در سبب‌شناسی خیانت زناشویی یک مطالعه کیفی. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۱۶(۲)، ۲۱۶-۱۹۹. https://jfr.sbu.ac.ir/article_97816.html

ناصری‌کریموند، آ.، و اعظمی، ی. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای ادراک شایستگی و حل مسئله اجتماعی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پرخاشگری در نوجوانان. *رویش روان‌شناسی*، ۱۰(۶)، ۸۴-۷۵. http://20.1001.1.2383353.1400.10.6.5.5

نریمانی، م.، و ابراهیمی، ف. (۱۳۹۹). تعیین نقش سبک‌های دلبستگی و بازداری هیجانی در پیش‌بینی گرایش به روابط فرازناشویی در زوجین جوان. *سومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی، اردبیل*. https://civilica.com/doc/1369328/

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.10.4.9]

وجدانی، ش.، کرمی، م.، و احمدی، ص. (۱۳۹۹). بررسی نقش تعدیل‌گری باورهای مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متاهل. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۸(۲)، ۲۲۰-۱۹۳. http://doi.org/10.22051/JWSPS.2020.30750.2187

Asayesh, M. H., Farahbakhsh, K., Delavar, A., & SALIMI, B. H. (2017). Psychosomatic Reactions and Physiological Effects of Infidelity among the Female Victims: A Phenomenological Study. *Journal of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences; 25* (8) :641-657. https://jssu.ssu.ac.ir/browse.php?a_id=4028&sid=1&slc_lang=en.

Altinok, A., & Kilic, N. (2020). Exploring the associations between narcissism, intentions towards infidelity and relationshi p satisfaction: attachment styles as a moderator. PLoS ONE, 15(11). http://doi.org/10.1371/journal.pone.0242277.

Azizpour, S., Rezapour Mirsaleh, Y., & Mottaghi, M. (2022). Evaluation of behavioral and physical dimensions of childhood traumas in couples who have marital infidelity. Research in Clinical Psychology and Counseling, 12(2), 47-64. https://tpccp.um.ac.ir/article_43191.html.

Baugh, L. M., Cox, D. W., Young, R. A., & Kealy, D. (2019). Partner trust and childhood emotional maltreatment: the mediationg and moderating roles of maladpative schemas and psychological flexibility. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 12, 66-73. https://doi.org/10.1016/j.jcbs.2019.02.001

Conroy, A. A., McKenna, S. A., Comfort, M. L., Darbes, L. A., Tan, J. Y., & Mkandawire, J. (2018). Marital infidelity, food insecurity, and couple instability: A web of challenges for dyadic coordination around antiretroviral therapy. *Social Science & Medicine*, *214*, 110-117. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0277953618304301.

Edwards, E. R., & Wupperman, P. (2019). Research on emotional schemas: A review of findings and challenges. *Clinica Psychologist*, 23(1), 3-14. https://doi.org/10.1111/cp.12171.

Filimon, D. (2021). Internet infidelity and attachment injury in a romanian women sample: A qualitative study of the online sexual infidelity dimension. *European Integration-Realities and Perspectives*, 16(1). 477-490. https://dp.univ-danubius.or/index.php/EIRP/article/view/222.

Hogan, K. (2019). *Childhood trauma and adult romantic relationships.* Masters Thesis, California State University Stanislaus. http://hdl.handle.net/20.500.12680/dv13zv08v

Jackson, J. B., Miller, R. B., Oka, M., & Henry, R. G. (2014). Gender differences in marital satisfaction: A meta-analysis. *Journal of Marriage and Family*, 76(1), 105-129. https://doi.org/10.1111/jomf.12077

Garrusi, B., & Nakhaee, N. (2009). Validity and reliability of a persian version of the childhood trauma questionnaire. *Psychological Reports*, 104, 509-516.http://doi.org/10.2466/PR0.104.2.509-516

Gobout, N., Morissette, F., Cyr, G., & Belanger, C. (2020). Cumulative childhood trauma and couple satifaction: examining mediating the role of mindfulness. *Mindfulness*, 11, 1723-1733. https://doi.org/10.1007/s12671-020-01390-x

Hammer, J. (2021). The Impact of Infidelity on the Family System. MA Thesis, City University of Seattle. https://repository.cityu.edu/bitstream/handle/20.500.11803/1625/JamieHammerCapstone.pdf?sequence=2&isAllowed=y.

Kline, R. B. (2005). P*rinciples and practice of structural equation modeling (2 nd ed*). New York: Guilford. https://psycnet.apa.org/record/2005-03476-000

Negash, S., & Morgan, M. L. (2016). A family affair: Examining the impact of parental infidelity on children using a structural family therapy framework. Contemporary Family Therapy, 38(2), 198-209. https://www.researchgate.net/publication/284068213.

Ngozichukwuka, C. A. (2021). *Exploring adult attachment in intimate relationships among women who were exposed to intimate partner violence in childhood: a convergent mixed methods approach*. Theses (Ph.D), USF Tampa Graduate. https://digitalcommons.usf.edu/etd/9056

Leahy, R. L. (2019). Introduction: Emotional Schemasand Emotional Schema Therapy. *International Journal of Cognitive Therapy*,12, 1-4. https://doi.org/10.1007/s41811-018-0038-5.

Orlaith, P. (2019). *An Investigation of the Association between Adult Attachment Styles, Emotional Intelligence and Marital Satisfaction as an outcome*. Undergraduate thesis, Dublin, National College of Ireland. http://norma.ncirl.ie/id/eprint/3778

Ozkul, K. (2020). *Dishonesty in Close Relationships: The Effect of The Dark Triad Personality Traits and Adult Attachment Styles on The Perceptions of Infidelity*. Thesis (Ph.D). Middle East Technical Uiversity. http://hdl.handle.net/11511/45696

Ozteke-Kozan, H. I., & Arslan, c. (2022). Social anxiety among college students: predictive roles of attachment insecurity and emotional schemas. *International Journal of Psychology and Educational Studies*, 9(1), 22-31. https://dx.doi.org/10.52380/ijpes.2022.9.1.387

Pouresmaili Najafabadi, Z., Alibeigi, N., & Eskandarnia, E. (2021). Comparison of cognitive and emotional schema in women with and without marital satisfaction. *World Journal Advanced Research and Reviews*, 12(01), 056-065. https://doi.org/10.30574/wjarr.2021.12.1.0455

Raymo, J. M., & Park, H. (2020). Marriage Decline in Korea: Changing Composition of the Domestic Marriage Market and Growth in International Marriage. *Demography*, 57(20), 1-24. https://doi.org/10.1007/s13524-019-00844-9

Sakotic-Kurbalija, J., Kurbalija, D., Trifunovic, B., & Grabovac, B. (2022). womens attachment style and dyadic adjustment: the mediator role of perceived efficacy in solving marital conflicts. *Drustvena Istrazivanja: Casopis za Opca Drustvena Pitanja*, 31(2). 301-320. https://doi.org/10.5559/di.31.2.06 .

Tasoren, A. B. (2022). Childhood maltreatment and emotional distress: The role of beliefs about emotion and psychological inflexibility. *Curr Psychol*. https://doi.org/10.1007/s12144-021-02594-7

Tuttle, J. D., & Davis, S. N. (2015). Religion, infidelity, and divorce: Reexamining the effect of religious behavior on divorce among long-married couples. *Journal of divorce & remarriage*, *56*(6), 475-489. https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10502556.2015.1058660.

Valentova, J. V., de Moraes, A. C., & Varella, M. A. C. (2020). Gender, sexual orientation and type of relationship influence individual differences in jealousy: A large Brazilian sample. *Personality and Individual Differences*, 157, 109805. https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.109805

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.10.4.9]